

A Study of the Civilizational Thought of Imam Musa al-Sadr with a Critical Approach to Western Civilization

Ali Ahmadpour^{*}

Received on: 19/07/2024

Accepted on: 29/12/2024

Abstract

Purpose: The purpose of this article, which employs a descriptive-analytical method, is to elucidate the civilizational thought of Imam Musa al-Sadr, particularly his critical approach to the materialistic civilization of the West. It also addresses the pillars of Imam Musa al-Sadr's civilizational thought and his critiques of Western civilization. Therefore, this research aims to demonstrate that Imam Musa Sadr has articulated the characteristics of his civilization-building philosophy through a coherent intellectual framework. His ideas can serve as a successful model for contemporary society. Although extensive research has been conducted on the ideas of Imam Musa Sadr, his civilizational approach and civilizational thinking have been comparatively less addressed.

Methodology: The research method employed in this article is descriptive-analytical, utilizing a documentary study approach. It references the works, speeches, and opinions of Imam Musa al-Sadr, along with related articles, to examine his intellectual contributions to religious civilization building while critically addressing Western civilization.

Findings: The findings indicate that the primary axes and characteristics of Imam Musa al-Sadr's civilizational thought include: 1. The unparalleled and comprehensive ability of religion to build civilization, including the moral, social, and intellectual dimensions. 2. Attention to human identity, his existential dimensions, and the preservation of human dignity as indicators of civilizational progress. 3. Efforts for peace, dialogue, and peaceful coexistence among various sects and religions. From Sadr's perspective, some characteristics

^{*} Associate Professor, Department of Islamic Studies, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. (Corresponding Author).
ali.ahmadpour@uma.ac.ir

of Western civilization that serve as obstacles to progress include selfishness and egotism, materialism, the denial or neglect of God, and a sectarian and apartheid system.

Conclusion: From the perspective of Imam Musa Sadr, the universe serves as the subject of the evolution of civilization and the progress of human culture; the bearer of these continuous developments and advances is man. Therefore, both the world and humanity manifest and evolve through all stages of civilization. The driving force behind civilization is humanity itself, which progresses toward civilization through its own will and free choice. According to Sadr, if a civilization is founded on religious and divine teachings, and if God is acknowledged rather than denied or ignored, humanity will progress toward peace, coexistence, and the preservation of human dignity. Conversely, if a civilization resembles the materialistic culture of the West, it will witness selfishness and egotism, tyranny, and the violation of others' rights. This environment often leads to the instrumental and sexual exploitation of women, as well as ongoing efforts to manipulate and create conflict within societies. In such a civilization, the primary objective becomes the maximization of material gain and the imposition of individual plans to fulfill personal interests and desires. From Sadr's perspective, forming an ideal civilization requires attention to the God-given abilities and capacities of humanity (anthropology), understanding the Creator's purpose for human existence in the universe, and recognizing the conditions and requirements for being a divine caliph on Earth. In order to build a civilization, humans need to grow and develop in all dimensions of their existence. One-dimensional growth can lead to selfishness, egoism, human misguidance, and the oppression of others. In order to achieve an ideal civilization, it is necessary to focus on human identity. This means that, while recognizing the differences among various religions and sects, individuals should be treated by human interests rather than personal agendas, and with a foundation of respect and human dignity. Finally, some of Sadr's suggestions for building an ideal civilization include the following: fostering a balance between science and religion, revitalizing the maternal role of women without commercializing it, and establishing human civilization on the principles of faith in God, jihad, and the struggle against a singular oppressive political domination.

Keywords: Civilizational thought, Imam Musa Sadr, Islamic civilization, Western civilization, civilization building.

بررسی اندیشه تمدنی امام موسی صدر با رویکرد انتقادی از تمدن غرب

علی احمدپور *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۹

چکیده

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امام موسی صدر تمدن‌سازی آرمانی، صحیح و اصولی بود. هدف از نگارش این مقاله که با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است، تبیین اندیشه تمدنی امام موسی صدر با رویکرد انتقادی او از تمدن مادی گرایانه غرب است و به این پرسش پاسخ داده شده است که ارکان اندیشه تمدنی امام موسی صدر چیست و او چه نقدی بر تمدن غرب داشته است؟ یافته‌ها نشان داد که محورها و ویژگی‌های اصلی در اندیشه تمدنی امام موسی صدر عبارت‌اند از: یک، ظرفیت بی‌بدیل و همه‌جانبه دین در تمدن‌سازی اعم از بُعد اخلاقی و اجتماعی و فکری؛ دو، توجه به هویت انسان و ابعاد وجودی او و حفظ کرامت انسانی به عنوان شاخص پیشرفت تمدنی؛ سه، تلاش برای صلح و گفت‌وگو و همزیستی مسالمت‌آمیز با فرقه‌ها و مذاهب مختلف. در مقابل برخی ویژگی‌های تمدن غرب از منظر امام موسی صدر مانند خودخواهی، مادی‌گرایی، انکار خداوند و نظام فرقه‌گرایانه و آپارتاید، به عنوان موانع تمدن‌سازی آرمانی معرفی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که امام موسی صدر برای تحقق تمدن جهانی و آرمانی بر لزوم توجه به همه ابعاد انسانی، احترام به تنوعات دینی و فرهنگی، استفاده توأمان از علم و دین، احیای نقش مادری زن و مبارزه با سلطه‌گری ظالمانه تمدن غرب تأکید دارد.

کلمات کلیدی: اندیشه تمدنی، امام موسی صدر، تمدن اسلامی، تمدن غربی، تمدن‌سازی.

* دانشیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول).

بیان مسئله

بیش از یک قرن است که اندیشمندان مسلمان در حال رهگیری و پیگیری تمدن‌سازی آرمانی و احیای تمدن اسلامی هستند. نهضت احیا از سیدجمال‌الدین اسدآبادی شروع شده است و تا به امروز جهان اسلام شاهد تلاش‌های گوناگونی در این زمینه بوده است. انواع راهکارها برای رسیدن به این آرمان از سوی اندیشه‌وران مسلمان بیان و عرضه شده است و هرکدام پازل و قطعه‌ای از مسیر را تکمیل کرده‌اند. از نقاط عطف این تلاش‌ها و اندیشه‌ورزی‌ها در دوره معاصر می‌توان به اندیشه و اقدام‌های خلاقانه متفکری به نام امام موسی صدر اشاره کرد که ابعاد شخصیتی و آفاق فکری و اندیشه‌های تمدنی‌اش بر بنیان‌های نوینی از نظریات ناب دینی و اسلامی استوار بود و غیر از شیعیان، اهل سنت و مسیحیان لبنانی را نیز در بر گرفت و سپس خاورمیانه و حتی جهان را تحت تأثیر قرار داد.

امام موسی صدر بر این باور بود که وجود فرقه‌های مختلف نقطه آغاز همکاری و باز شدن دریچه‌های تمدن به روی دستاوردهای میلیاردی انسان در این عصر و عصرهای گذشته است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۳۵۹). در این بیان به روشنی نوع بینش و نگاه و افق بلند امام موسی صدر را به مقوله تمدن می‌توان دید. درواقع او حفظ و صیانت و ارتقای زیست‌تمدنی انسان‌ها را ضرورتی انسانی و گریزناپذیر برمی‌شمارد.

صدر تمدن را روبنای مهمی می‌داند که بدون فراهم‌سازی پایه‌ها و زیرساخت‌های لازم بنا نمی‌شود. به همین خاطر او به «فطرت» انسان‌ها به عنوان زیربنای سازنده انسان با استناد به آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم: ۳۰) اشاره می‌کند؛ فطرتی که شهیدمطهری از آن به عنوان اُم‌المسائل معارف اسلامی یاد می‌کند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۳). یکی از علل موفقیت امام موسی صدر در تعامل و مودت پایدار با پیروان دیگر مذاهب و ادیان ناشی از تکیه جدی او به مقوله فطرت است. او معتقد است: «وجود وجدان و فطرت علت شکل‌گیری افکار عمومی در انسان‌هاست» (صدر، ۱۳۹۸ الف، ج ۱۲، ص ۴۸).

رکن اساسی دیگر در تمدن‌اندیشی امام موسی صدر توجه ویژه او به مقوله «آزادی» است. صدر آزادی حقیقی را رهایی از دیگران و رهایی از نفس می‌داند و معتقد است اگر تمدنی نتواند آزادی را تضمین کند، عملاً «انسان» و «فطرت» او را ضایع کرده است (صدر، ۱۳۹۵ الف،

صص ۲۷-۲۸). یکی دیگر از بنیان‌های فکری امام موسی صدر برای تمدن‌سازی توجه ویژه به مقوله انسان و ابعاد وجودی او با الهام از آموزه‌های دینی و قرآنی است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۷۲). از دیدگاه او هر تمدنی برای احیا و پیشرفت باید نظریه خود را درباره «انسان» به صورت مطلوب ارائه دهد.

صدر در آثار و سخنرانی‌های خود به نقد تمدن غرب نیز پرداخته است. او از این تمدن به دلیل مادی‌گرایی و غیراخلاقی بودن و بی‌توجهی به کرامت انسانی انتقاد می‌کند و می‌پرسد: «آیا تمدن غرب توانسته است سعادت را برای همه انسان‌ها محقق کند؟ آیا پیشرفت مادی آن به رشد انسانیت منجر شده است» (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۶۸). این نقدها ضمن برجسته کردن نقاط ضعف تمدن غرب، ابعاد ایجابی اندیشه تمدنی امام موسی صدر را آشکار می‌کند.

مسئله اصلی این پژوهش واکاوی مبانی و ارکان اندیشه تمدنی امام موسی صدر و نقد او بر تمدن غرب است و می‌کوشد به این پرسش‌ها پاسخ دهد:

۱. ارکان اصلی اندیشه تمدنی امام موسی صدر چیست؟
۲. نقدهای او بر تمدن غرب چه ابعادی را شامل می‌شود؟
۳. راهکارها و پیشنهادهاى صدر برای تمدن‌سازی آرمانی چیست؟

این مسئله از اهمیت تمدن‌سازی آرمانی و احیای تمدن اسلامی در دوره معاصر نشأت می‌گیرد و به نقش اندیشه‌های امام موسی صدر در این فرایند می‌پردازد. ایده اصلی متن بررسی اندیشه تمدنی امام موسی صدر است که بر پایه آموزه‌های دینی و انسانی استوار است و می‌کوشد ظرفیت‌های دین و هویت انسان و آزادی را به عنوان ارکان تمدن‌سازی معرفی کند. این ایده همچنین نقد تمدن مادی‌گرایانه غرب را به عنوان بخشی از دیدگاه امام موسی صدر مطرح می‌کند. در نتیجه این پژوهش ضمن بهره‌گیری از آثار و سخنرانی‌های امام موسی صدر تلاش می‌کند راهکارهای او برای تمدن‌سازی آرمانی را واکاوی کند و به شناخت جامعی از اندیشه تمدنی او دست یابد.

۱. پیشینه پژوهش

پژوهش مستقل و جامعی در زمینه موضوع مقاله به چاپ نرسیده است؛ اما درباره تمدن غربی

از دیدگاه امام موسی صدر مقاله‌هایی نوشته‌اند: لک‌زایی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «چپستی تمدن غرب در آرای امام موسی صدر» و با رویکردی انتقادی به برخی از ویژگی‌های تمدن غربی مانند مادی و غیراخلاقی بودن اشاره کرده است که نقطه قوت مقاله محسوب می‌شود؛ ولی راهکار و تحلیل جامعی از ظرفیت‌های تمدنی دین در اندیشه امام موسی صدر ارائه نداده است. لک‌زایی (۱۳۹۸) در مقاله دیگری به موضوع «علل ضعف تمدنی و عقب‌ماندگی جامعه‌های اسلامی در اندیشه امام موسی صدر» پرداخته است و در کنار یادآوری ضعف‌های تمدنی تحول درون افراد و تحقق جامعه اسلامی را شرط احیای تمدن اسلامی ذکر کرده است. در این مقاله هم ظرفیت‌های تمدنی دین و انسان در مقابله با موانع تمدن‌سازی و ارائه راهکارهای تمدن‌سازی آرمانی با تأکید بر دین و آزادی و فطرت انسان مورد توجه کامل قرار نگرفته است. احمدپور و فتحی (۱۴۰۳) در تحقیقی به واکاوی «جایگاه انسان‌شناختی واقع‌گرایانه زن در اسلام و تمدن غرب از دیدگاه امام موسی صدر» پرداخته‌اند. این مقاله به یک بُعد خاص از اندیشه تمدنی امام موسی صدر یعنی جایگاه زن اشاره کرده، اما بر ظرفیت‌های تمدن‌سازی چندان تمرکز نکرده است. فتحی و احمدپور (۱۴۰۲) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «انسان‌گرایی نوین، مانع نقش‌آفرینی دین در اندیشه امام موسی صدر» به برخی ویژگی‌های مکتب‌های مادی‌گرای غرب اشاره کرده‌اند که مانع نقش‌آفرینی دین در تمدن‌سازی آرمانی می‌شوند، ولی به بررسی جامع ارکان تمدن‌سازی از منظر صدر نپرداخته‌اند. این پژوهش با مراجعه به آثار و کتاب‌های متعدد صدر از جمله *دیان در خدمت انسان و دین در جهان امروز و زن و چالش‌های جامعه* با ارائه تحلیلی جامع از اندیشه تمدنی امام موسی صدر هم به نقد تمدن غربی و هم به بررسی ارکان و پیشنهادها برای تمدن‌سازی آرمانی از منظر صدر می‌پردازد. این جامعیت وجه تمایز اصلی آن با مقاله‌های پیشین است که هرکدام فقط به بخشی از موضوع پرداخته‌اند.

بنابراین هدف در پژوهش این است که با توجه به اینکه امام موسی صدر در آثار خود با ارائه نظام فکری منسجمی ویژگی‌های اندیشه تمدن‌ساز خود را بیان کرده است، از اندیشه‌های وی می‌توان به‌عنوان الگویی موفق در دوران کنونی استفاده کرد. با وجود اینکه تاکنون پیرامون اندیشه‌های امام موسی صدر پژوهش‌هایی صورت گرفته است، اما به جنبه‌های رویکرد تمدنی و تمدن‌اندیشی ایشان کمتر پرداخته شده است.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش در این مقاله توصیفی تحلیلی است که با استفاده از روش مطالعه اسنادی و با مراجعه به آثار و سخنرانی‌ها و نظرات امام موسی صدر و مقاله‌های مرتبط به اندیشه فکری او در تمدن‌سازی دینی با رویکرد نقد تمدن غربی پرداخته شده است.

۳. چارچوب نظری پژوهش

۳-۱. ارکان اندیشه تمدنی صدر

از مهم‌ترین ارکان تمدنی امام موسی صدر می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۳-۱-۱. باور به ظرفیت بی‌بدیل دین در تمدن‌سازی

امام موسی صدر به ظرفیت دین در تمدن‌سازی باور عمیقی دارد. او انسان را عامل تمدن‌ساز و دین را روح تمدن و واجد ظرفیت برای تأسیس و احیای تمدن نوین اسلامی می‌داند. از نظر صدر «دین یعنی تلاش برای از نو ساختن انسان» (صدر، ۱۳۹۵، ب، ص ۱۴۶). به عبارت دیگر دین می‌تواند با تربیت انسان و با بهره‌گیری از اراده و قدرت و توان انتخابگری او به سمت تمدن آرمانی حرکت کند.

در تبیین ظرفیت دین اسلام در تمدن‌سازی می‌توان گفت «قرآن‌محوری» از ارکان اندیشه تمدنی امام موسی صدر است که تمسک به قرآن و فهم نو از آن نقش مهمی در تکوین تمدن دارد. او قرآن را منبعی غنی برای استخراج احکام و اخلاق و الگوی رفتارهای فردی و اجتماعی در تمدن‌سازی می‌داند و معتقد است که قرآن تمدن‌ها را بنا و فرهنگ‌ها را تأسیس می‌کند. همچنین از نظر او «تحقق عینی و عملی ظرفیت تمدن‌سازی اسلام مستلزم بازگشت نسل تحصیل کرده به بازشناسی کامل عقاید دینی و تمسک منطقی و درخشان آن‌ها به حدود و اصول مذهبشان» است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۹۷).

امام موسی صدر نقش و ظرفیت دین در جهت‌دهی فردی و اجتماعی و تمدنی انسان را این‌طور تبیین می‌کند که:

انسان متکی بر خدا با اطمینان کامل به کارزار زندگی گام می‌نهد و تکیه‌گاه او لحظه‌ای از او جدا نمی‌شود و او را رها نمی‌کند. بدین‌سان انسان به نیرویی بزرگ تبدیل می‌شود که بدون هیچ توقفی حرکت می‌کند و ثمربخش می‌شود. دین به بسیج انسان و آماده‌سازی او برای حرکت بسنده نمی‌کند؛ بلکه سعی می‌کند از دستاوردهای بشری در قلمرو علم و نظایر آن در چارچوبی مقدس محافظت کند و به آن‌ها احترام و قداست بخشد، بدون آنکه از آن‌ها مطلقاً جدید و الهی معبود و کمالی محمود بسازد (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۷۶).

صدر به مسیر کلی ترسیم‌شده تمدن دینی برای انسان اشاره می‌کند که باید با بهره‌گیری از این عالم در پی رسیدن به جهان آخرت باشد؛ لذا آرمان انسان متمدن فقط در این دنیا خلاصه نمی‌شود. انسان در حرکت دائم و همیشگی به‌سوی هدف حقیقی قرار دارد و در این راه و در حیات مادی و معنوی خود طالب خشنودی خداوند است که سعادت جاودانه را در دو عالم برای او به ارمغان می‌آورد (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۷۱).

۳-۲. شناخت ابعاد وجودی انسان (انسان‌شناسی)

انگیزه برتر برای انسان در زندگی انگیزه‌ای است که رشد او را از همه جوانب وجودی‌اش تأمین می‌کند. انسان برخلاف سایر موجودات صاحب اراده و اختیار آفریده شده است و این اراده بُعدی از ابعاد وجود اوست. بُعد دیگر انسان بُعد اجتماعی است؛ اما برای انسان بُعد سومی وجود دارد و آن وجود او در جهان هستی است و او از این جهان جدا نیست.

امام موسی صدر ابعاد وجودی انسان را چنین ترسیم می‌کند:

الف) انسان از نظر آزادی انتخاب با موجودات دیگر متمایز است؛ یعنی رفتار و اعمال انسان از تأمل و اراده نشئت می‌گیرد (بعد فردی)؛

ب) تأثیرپذیری انسان از طبیعت و موجودات اطراف خود (انسان جزئی از هستی)؛

ج) انسان موجودی اجتماعی است که با هم‌نوعان خود تعامل دارد (بعد اجتماعی)؛

د) انسان مخلوق خداوندی است که خالق هستی است. همین نسبت او با خداوند ابعادی دارد که بر انسان و همه پیوندهای او تأثیرگذار است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۷۲) و سبب رشد و کمال و شکوفایی هماهنگ استعداد و توانایی‌های انسان و جامعه می‌شود (صدر، ۱۳۹۵ الف، صص ۲۷ - ۲۸).

با توجه به مطلب بالا از نظر صدر کمال حقیقی انسان حرکت و رشد او در همه ابعاد است. اگر آدمی فقط در یک بُعد رشد و تکامل یابد، به بیراهه خواهد رفت؛ یعنی اگر انسان فقط به انگیزه بُعد اول حرکت کند، خودخواه و مغرور و ناهماهنگ با واقعیت خود خواهد شد. همچنین اگر انسان در بُعد اجتماعی خود بدون در نظر گرفتن شخصیت ویژه اش ذوب شود، جامعه و وجود خود را از توانایی های منحصرش محروم می کند. بهترین راه برای انسان این است که به موازات راه دیگران در جامعه و نیز همسو با خط سیر کل حرکت کند.

از دیدگاه امام موسی صدر برای پی ریزی تمدن آرمانی ابتدا باید شناخت و تصویر درستی از انسان داشت و به تربیت صحیح او اقدام کرد تا به تبع آن جامعه ای سالم و تمدنی آرمانی تشکیل شود. نگاه صدر به انسان طبق مبانی دینی این است که: «انسان ها همه خوب و بر فطرت پاک آفریده شده اند؛ اما منافع شخصی و فساد محیط از بروز آثار این فطرت جلوگیری می کند و انسان مرتکب ظلم یا فساد می شود؛ حتی در همان حالت هم فطرت وی او را به صلاح دعوت می کند» (صدر، ۱۳۹۴، ص ۵۴) و علت شکل گیری افکار و وجدان عمومی در انسان ها و ضامن موفقیت پیامبران در دعوت مردم به حق است (صدر، ۱۳۹۸ الف، ج ۱۲، ص ۴۸).

صدر برای شناخت و شناساندن بیشتر انسان از یک سو به دیدگاه اسلام که انسان خلیفه خدا و جزو ممتاز آفرینش و از نظر اسما و صفات بر صورت خالق آفریده شده است، اشاره می کند که براساس خلقت و فطرتش می تواند با پیمودن راه راستی به کمال برسد (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۰۹)، از طرف دیگر اسلام مسئولیت بنای جوامع، انواع و تفاوت آن ها، مقررات اجتماعی، سطوح گوناگون و نیز مشکلاتی را که بر جوامع انسانی عارض می گردد، همه را بر عهده انسان نهاده است؛ یعنی از نظر اسلام و قرآن^۱ انسان جامعه و تمدن را می سازد، برنامه ها را ترسیم و مسئولیت ها را تعیین و تنظیم می کند و مشکلات و دشواری ها را پدید می آورد.

بنابراین اسلام قوانینش را با توجه به این مفهوم انسان شناختی استوار کرده و روابط فرد را با خود و جامعه و روابط همه را با هستی بر همین مبنا نظم بخشیده است. به این ترتیب به انسان

۱. إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا يَقُومُ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد، ۱۱) و «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (روم، ۴۱).

می‌آموزد که چه رفتاری شایسته برادر انسانی اوست. جامعه نیز در اسلام از واقعیت انسان سرچشمه گرفته است؛ انسانی که اساس اجتماع و غایت آن است. به همین علت جامعه اسلامی رنگ انسانی دارد، نه رنگ فردی یا اصالت فرد؛ به گونه‌ای که همه سازمان‌ها و مقررات برای فرد تنظیم شده باشد، نه رنگ اجتماعی یا اصالت جامعه، به طوری که به کلی فرد در آن فراموش شده باشد (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۱۰).

۳-۱-۳. توجه به هویت انسانی

امام موسی صدر به عنصر تمدن‌ساز دیگری به نام هویت انسانی توجه ویژه دارد. هویت انسانی یعنی انسان‌ها در عین داشتن تفاوت و تمایز در برخی مسائل، در موضوعاتی مانند ملیت و فرقه و دین تشابه و همسانی دارند. مبنای هویت انسانی هم عبور و فراروی از منافع فرقه‌ای و ملی در جهت منافع انسانی و بشری است و فرض اساسی این است که انسان‌ها مجموعه‌ای از یک واحد واقعی هستند و از یک وجدان مشترک انسانی بهره می‌گیرند و احساس انسان‌دوستی به صورت فطری در همه آن‌ها وجود دارد و اگر این احساس به فعلیت برسد، در آلام و رنج‌ها و آرزوهای یکدیگر شریک می‌شوند و موجب وحدت ابنای بشر می‌شود و این امری کاملاً اخلاقی است (عبدلی، ۱۳۹۹، صص ۱۸۹ - ۱۹۰).

روش امام موسی صدر برای تمدن‌سازی و حل مشکل تراحم هویت‌ها تقویت هویت انسانی در کنار سایر هویت‌هاست. او انسان را بپاهو انسان خلیفه الهی و صاحب کرامت ذاتی می‌داند و از این رو برای او ارزش انسانی قائل است؛ اما در عین حال سایر هویت‌های او را به رسمیت می‌شناسد و آن‌ها را نادیده نمی‌گیرد. او هویت‌های دیگری را علاوه بر شأن انسانی برای بشر ضروری می‌شمارد و آن‌ها را موجب شکوفایی استعدادهای انسان و اجتماع انسانی می‌داند؛ در حالی که طرفداران هر هویت اعم از فرقه‌ای و نژادی و ملی عموماً به دلیل تعصب جانب‌دارانه به مبانی هویت انسانی بی‌توجه‌اند (عبدلی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۲). صدر گوناگونی فرقه‌ها و اندیشه‌ها را وسیله‌ای برای نزدیکی، شناخت، تبادل اطلاعات و افزایش تجربه‌ها و در نتیجه شکل‌گیری تمدن انسانی با بهره‌گیری از همه تمدن‌ها می‌داند. او در این زمینه می‌گوید: «ما بر این باوریم که وجود فرقه‌های سازمان‌یافته مختلف نقطه آغاز همکاری و دریچه‌های تمدن به روی دستاوردهای میلیاردی انسان در این عصر و اعصار گذشته است» (صدر، ۱۳۹۴، ص ۳۵۹).

صدر با اعتقاد به وجود تفاوت بین افراد مختلف بشریت و با استناد به آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات، ۱۳) قائل است که این تفاوت باید به حرکت و شناخت بینجامد و سبب همکاری و تبادل دیدگاه و تکامل انسانی شود؛ چون هر ملت و فرقه و طائفه‌ای ویژگی‌ها و میراث و تجربیات خاص خود را دارد که نسبت به زمان و فرقه و منطقه دیگر متفاوت است. وقتی این ویژگی‌ها برای سایر افراد بشری آشکار شود، از خوبی‌ها و موفقیت‌های آن پند می‌گیرند و می‌آموزند و با این شیوه بشریت می‌تواند در مسیر طبیعی خود به سوی کمال و سعادت گام بردارد (صدر، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۸۸).

بنابراین امام موسی صدر تعدد فرقه‌ها و هویت فرقه‌ای را به دریچه‌هایی از تمدن تشبیه می‌کند که فرصت استفاده از دستاوردهای بشری را برای آحاد مردم فراهم می‌کنند. مبنای چنین دیدگاهی اولاً احترام به هویت هریک از فرقه‌ها و به رسمیت شناختن ارزش و اهمیت و جایگاه آن‌ها و تلاش برای استفاده از دستاوردهای آن‌ها و ثانیاً احترام به هویت انسانی است. فقط با تکیه و توجه به هویت انسانی انسان و تشکیل پیکره واحد بشری است که وجود هریک از انسان‌ها در هر فرقه و مسلکی ضروری و لازم شمرده می‌شود (عبدلی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۳).

صدر شرط اساسی بهره‌گیری تمدن‌ها از همدیگر و تعاون و همیاری اندیشه‌ها و رنگ‌ها و تجارب متنوع در کنار هم را توجه به اصل احترام متقابل می‌داند؛ زیرا در غیر این صورت ممکن است از مسائلی اقلیمی یا خانوادگی یا هر وسیله دیگری برای کشمکش و جدایی و نابودی بهره‌برداری کنند (صدر، ۱۳۹۴، ص ۳۶۷).

۳-۴. تلاش برای صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز

صلح یکی از نام‌های خداوند است و دعوت قرآن با آیه «أَدْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً» (بقره: ۲۰۸) تلاشی برای برقراری صلح در جامعه است. اصل در نظام هستی صلح است و خداوند گرایش به صلح را در نهاد همه انسان‌ها قرار داده است. اگر کشمکشی صورت می‌گیرد، امری عارضی است و با فطرت پاک انسانی سازگار نیست. به همین دلیل امام موسی صدر می‌گوید: حب ذات می‌تواند در دو مسیر ستیزه‌جویی و صلح‌جویی حرکت کند که انتخاب یکی از این دو مسیر بستگی به این دارد که انسان تا چه اندازه فرماندهی خود را به عهده دارد (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۹۲).

صدر معتقد است که اگر بشریت به هدف هستی ملتزم باشد و یگانه هدف او خودپرستی و مادیات نباشد، همین می‌تواند نویدبخش صلح در عالم هستی باشد. او در این زمینه می‌گوید:

تنوع افکار و عقاید می‌تواند وسیله‌ای برای تعامل آرا، تبادل اطلاعات، افزایش تجربه‌ها و در نتیجه ساختن تمدنی انسانی باشد. هستی با همه اجزا، تنوع و گوناگونی در اشکالش و با جمیع وظایف مختلفش سراسر یکپارچگی و هماهنگی است؛ همه در جهتی واحد، در جهت سجود و خشوع برای خداوندند؛ پس جامعه می‌تواند در صلح و آرامش زندگی کند، خصوصاً وقتی که هدف تنها هدف مادی نباشد (صدر، ۱۳۹۵/الف، ص ۹۲).

همچنین صدر در اسلام به اصولی مانند «أَوْفُوا بِالْعُقُود» اشاره می‌کند که انسان را به سمت صلح و وفاداری به پیمان‌ها و عهد‌ها سوق می‌دهد. این اصل قرآنی زمینه‌ساز صلح و فزونی از قراردادهای اجتماعی مطرح است. از نظر صدر نظام اجتماعی اگر مبتنی بر معیارگرایی بنا شود، صلح در آنجا امکان‌پذیر نخواهد بود. نوع نگاه اسلام به انسان و توجهی که اسلام به حقوق انسان‌ها دارد، عامل صلح و دوستی است. تأکید اسلام بر آزاد بودن انسان‌ها و لزوم پاسداری از آزادی و استقلال انسان‌ها و آگاهی آنان و ضرورت حفظ این استقلال و آگاهی اساساً با صلح امکان‌پذیر است (نصری، ۱۳۹۵).

بنابراین یکی از عوامل تأثیرگذار در تمدن‌سازی از دیدگاه امام موسی صدر صلح و تعامل و همزیستی مسالمت‌آمیز با فرقه‌ها و ادیان و مذاهب گوناگون است که او آن را رفتار دینی محض و نوعی دین‌ورزی می‌داند، نه نادیده گرفتن اصول دینی و رفتار سکولاریستی. شرکت صدر در مراسم‌ها و مجمع‌های مختلف فرقه‌ها و مذاهب‌های گوناگون و دعوت از آن‌ها حاکی از این مسئله است. او در این زمینه می‌گوید: «اینکه من با پیروان دیگر فرقه‌ها ارتباطات گسترده دارم و برای اهداف مشترک با آنان همکاری می‌کنم، به معنای نادیده گرفتن اصول دینی نیست، بلکه وفاداری به متن دین است؛ زیرا دین آموزه‌های مفصلی درباره چگونگی رفتار با پیروان مذاهب دیگر دارد... همکاری با فرقه‌های دیگر در ذات دین نهفته است» (صدر، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۳۱).

صدر به مقوله همزیستی از دو بُعد توجه دارد: بعد اجتماعی و بعد دینی. از بعد اجتماعی معتقد است که همزیستی ضرورتی اجتماعی است؛ به دلیل اینکه انسان موجودی اجتماعی است و برای شکل‌گیری اجتماع انسان‌ها با هر مذهب و دینی باید باهم تعامل داشته باشند؛ از این رو از نظر

صدر جوامع نیازمند اندیشه‌ها و خدمات یکدیگرند که این امر، پذیرش تنوع و امکان تعامل را میسر می‌کند (عبدلی، ۱۳۹۹، ۲۳۷). صدر در این زمینه می‌گوید: گوناگونی تفکرات و فرهنگ‌ها، مسئله تعاون میان مردم را آسان می‌کند و وسیله‌ای برای تحکیم ارتباط میان مردم این کشورها خواهد شد؛ براین اساس می‌توان اصولی را تعیین کرد که همگان گرد هم جمع شوند. به عبارتی کوتاه به رسمیت شناختن یکدیگر و احترام متقابل اساسی‌ترین شرط بقا و استمرار است (صدر، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۱۵۳).

صدر از جهت دینی و اعتقادی نیز همزیستی را امری ضروری می‌داند و برای ادیان مبدأ و مقصدی واحد قائل است که یگانه هدف همه آن‌ها خدمت به انسان است؛ اما ادیان هنگامی دچار تفرقه و جدایی شدند که وظیفه اصلی خود، یعنی خدمت به انسان را فراموش کردند و در پی خدمت به خویش برآمدند (صدر، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۶۳).

صدر مشکل اساسی در تحقق مسالمت‌آمیز میان ادیان را دو چیز می‌داند: یکی عدم شناخت حقیقت دین و پیام معنوی آن و دیگری استفاده ابزاری از دین برای بروز خودخواهی خویش و رسیدن به مصلحت و جایگاه شخصی و تمایلات گوناگون و غلبه بر دیگران که متأسفانه نتیجه آن در تاریخ بروز درگیری‌ها و جنگ‌های شدیدی به نام دین بوده است؛ درحالی‌که این جنگ‌ها از حقیقت ادیان و آموزه‌های آن بسیار دورند (صدر، ۲۰۰۰، ج ۵، ص ۳۵۵).

صدر برای ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز از روش گفت‌وگو استفاده می‌کرد. از مقدمات گفت‌وگو پرهیز طرفین از مطلق‌نگری است. خویش‌تن را حق مطلق انگاشتن و دیگری را باطل پنداشتن امکان گفت‌وگوی طرفینی را از میان برمی‌دارد و سخن گفتن با دیگران را در حد مناظره و جدلی بی‌حاصل پایین می‌آورد (عبدلی، ۱۳۹۹، ص ۲۱۶). از نظر صدر این شیوه گفت‌وگو پیامدهای دردناکی را در عرصه تمدن و ارزش‌های معاصر به دنبال آورده است؛ درحالی‌که در شیوه صحیح گفت‌وگو به انسان احترام گذاشته می‌شود و دیدگاه و عواطف و عمل او محترم شمرده می‌شود (صدر، ۲۰۰۰، ج ۳، ص ۲۰۵). مطابق این نگرش صدر گفت‌وگوی با دیگران مستلزم پذیرش و حقوق انسانی آن‌هاست. همچنین گفت‌وگو می‌تواند به ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز و رفع سوء تفاهم‌های افراد نسبت به یکدیگر بینجامد (باقری، ۱۳۸۸، ص ۴۱۸).

صدر در زمینه گفت‌وگوی ادیان و تمدن‌ها بر این باور بود که گفت‌وگوها می‌تواند برای

بشریت تمدن جدیدی به ارمغان بیاورد و تنوع و تکثر فرهنگی و مذهبی فرصتی برای گفت‌وگوست و موجب حرکت و شکوفایی می‌شود. او در موضوع گفت‌وگوی تمدن‌ها دنبال دو هدف عمده بوده است: اولاً تمامی ابنای بشر در ساختن تمدن عظیم بشری سهیم هستند و ممکن نیست که تمدنی بدون توجه به دستاوردها، توانایی‌ها، امکانات و مشارکت سایر تمدن‌ها بتواند به نسخه کامل و فراگیری برسد که مقبول همگان شود؛ ثانیاً عدم همکاری و تبادل نظر و گفت‌وگوی تمدن‌ها با یکدیگر موجب می‌شود که شناخت آن‌ها از یکدیگر مبهم و ناقص شود و این عدم شناخت دستاویز استعمارگران برای سوءاستفاده می‌شود تا ملتی را نزد ملت‌های دیگر تروریست و دشمن انسانیت معرفی کنند و از این آب گل‌آلود منافع استعماری خویش را تأمین سازد (صدر، ۲۰۰۰، ج ۲، ص ۴۶).

بنابراین صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز در اندیشه امام موسی صدر اولاً در نگاه انسان به خود و ثانیاً در نگاه انسان به دیگری ریشه دارد. خودمطلق‌انگاری یکی از معضلات اساسی انسان است. کسی که خود را خطاناپذیر تلقی می‌کند، نمی‌تواند رفتارهای صلح‌آمیز داشته باشد. بدون هماهنگی کردن و اتخاذ روشی واحد و عمومی صلح برقرار نمی‌شود؛ همان‌طور که با اصرار و اجبار بر یکسان‌سازی نظام‌ها و آرا و تولیدات و عناصر دستیابی به صلح جهانی امکان‌پذیر نخواهد شد.

۲-۳. شاخصه‌های تمدن غرب

۱-۲-۳. خودپرستی و سلب آزادی

آزادی از دیدگاه امام موسی صدر انگیزه و محرک اصلی و بستر مناسبی برای رشد نیروها و ظهور استعدادهای انسان است؛ اما آزادی به بهانه‌های مختلف از انسان‌ها سلب شده و همواره در معرض سوءاستفاده قرار داشته است. سلب آزادی از انسان فرد و جامعه را به بند محدودیت‌های اعمال‌شده از جانب غاصبان آزادی می‌کشد و در نتیجه انسان‌ها و جامعه به محدودیت و نقص در توانایی‌ها دچار می‌شوند. از نظر صدر سلب آزادی نه تنها انگیزه انسان را از بین می‌برد، بلکه با تعدی به کرامت انسانی آن را نیز نابود می‌کند. از دیدگاه ایشان «آزادی» یکی از پایه‌هایی است که ایمان بر آن استوار می‌شود و برای دستیابی به منافع انسان و برای اثبات ایمان به پروردگار و آفرینندگی او باید بدان اتکا کرد. صدر در بیانات خود آشکارا به این نکته اشاره می‌کند که «تنها

کسانی آزادی انسان را محدود می‌کنند که به فطرت آدمی کافر باشند؛ فطرتی الهی که انسان بر آن خلق شده و پیامبر باطنی و درونی انسان است» (فانوس، ۱۳۸۷، ص ۳۲۵).

صدر معتقد است امروزه و در گذر زمان قالب‌های سلب آزادی و تخریب توانایی‌ها تغییر یافته است؛ گاهی به صورت استبداد، گاهی به صورت استعمار، گاه به صورت نظام ارباب و رعیتی، گاه به صورت تروریسم فکری و ادعای قیمومیت بر مردم و نابالغ انگاشتن قدرت فکری آنان است و گاه به صورت استعمار نو و گاه به صورت تحمیل مواضع بر افراد یا ملت‌ها از طریق فشارهای اقتصادی و فرهنگی و فکری است. سیاست بی‌توجهی و محروم کردن برخی از مردم از فرصت‌ها، نگاه داشتن مردم در جهل و بی‌سوادی و محروم کردن مردم از بهداشت و فرصت‌های تحرک و توسعه همه از شکل‌های مختلف سلب آزادی و توانمندی انسان است (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۱۹).

از نگاه صدر یکی از عوامل سلب آزادی و تجاوز به حقوق دیگران حبّ ذات یا خویش‌خواهی است؛ البته حبّ ذات چیزی فطری در نهاد بشر و مایه و پایه کمال‌خواهی انسان است؛ ولی وقتی که به خودپرستی تبدیل شود، خطرناک و مشکل‌آفرین می‌شود. او در این زمینه می‌نویسد:

جنگ‌ها و تبعیض نژادی و تحقیر دیگران و نزاع شدید در هسته‌های مختلف جامعه، از خانواده تا جامعه بین‌الملل، همه نزاع‌هایی هستند که علتشان یکی و چندوچونشان متفاوت است. این نزاع‌ها که جزء بنیادین خلقت تلقی شده است، حاصل تبدیل خویش‌خواهی به خویش‌پرستی است. انانیت و خودخواهی فرد در گروه نیز همین تأثیر منفی را دارد... وقتی خودپرستی به جامعه سرایت کند، مشکل انسان در صورت‌های مختلفی بروز می‌کند: از خودخواهی فردی تا خودخواهی خانوادگی و خودخواهی قبیله‌ای تا خودخواهی فرقه‌ای و مذهبی که ارزش‌های آسمانی را به خصوصیات زمینی تبدیل و دین و مذهب را از محتوایش تهی می‌کند و علوّ و مدارا را از بین می‌برد؛ همان فرقه‌گرایی‌ای که ارزش‌های والا را وسیله سوداگری قرار می‌دهد و سرانجام به ملی‌گرایی خودخواهانه می‌رسد» (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۱).

از دیدگاه صدر هر نیازی در انسان انگیزه‌ساز و عامل حرکت است؛ ولی اگر به قیمت مغفول ماندن سایر نیازها رشد یابد، فاجعه‌آفرین خواهد بود. این خودخواهی‌ها نیز در اصل احساساتی

سازنده بودند، اما به مرور و به دلیل رشد ناهماهنگ ویرانگر شدند. خویشتن خواهی، فامیل دوستی، قبیله دوستی، وطن خواهی و وابستگی های قومی اگر در چارچوب مرزهای درست خود باقی بماند، گرایش های مثبت و سازنده ای در زندگی انسان ها و تمدن بشری خواهد بود.

۲-۲-۳. مادی گرایی، علت گسست عاطفی میان نسل ها

امام موسی صدر مادیات و ثروت را ابزاری برای رفاه زندگی انسان می داند؛ اما وقتی این نیاز از حالت اعتدال خارج شود، دیگر نیازها را تحت تأثیر قرار می دهد و از شکل ابزار خارج و خود هدف می شود؛ بنابراین برآورده کردن نیاز مادی باید در راه تأمین دیگر نیازهای انسان باشد و مبادلات میان انسان ها را تسهیل کند و در نتیجه در خدمت جامعه و موجب همکاری بیشتر میان اعضای آن شود؛ ولی امروزه نیاز مادی جای دیگر نیازها را اشغال کرده، عواطف انسانی را که عامل وحدت میان انسان هاست، از دل آن ها زدوده است. کار به جایی رسیده است که مال اندوزی بر رفتار و روابط انسان ها حکم فرما شده و آنان را به افرادی سوداگر و استثمارگر و استعمارگر تبدیل کرده است که برای رسیدن به هدف های خود از ابزارهایی همچون جنگ، فتنه انگیزی، تعصب آفرینی و طبقه بندی انسان ها و تبعیض نژادی استفاده می کنند (صدر، ۱۳۹۹، ص ۲۱۵).

امام موسی صدر معتقد است آنچه امروز در جوامع مشاهده می شود، میوه درختی است که دستان بشر در دوره جدید تمدنی خود کاشته است. نسل های گوناگون علی رغم تفاوت هایی که در باورها و اندیشه ها داشتند، غالباً در پرتو عواطف و احساسات خود و محبتی که به یکدیگر می ورزیدند، با یکدیگر پیوند داشتند و تفاوت در اندیشه هایشان عامل نوگرایی جامعه و نگاه به جلو و حرکت به سوی وضعی بهتر بود. پیوند عاطفی در کنار تفاوت فکری راه پیشرفت دائمی جامعه و ساختن دوباره آن بر روی پایه های گذشته به شمار می آمد و در نتیجه موجب بی نیازی جوامع و در بر گرفتن حال و گذشته و حتی آینده بود، اما امروزه خطر در گسست عاطفی میان نسل هاست؛ چراکه فاصله فکری سبب می شود نسل ها از یکدیگر جدا شوند و پیوند آن ها با یکدیگر قطع شود و نسل نو از صفر شروع کند؛ چون گذشته را دوست ندارد و با آن متقاعد نمی شود (صدر، ۱۳۹۹، الف، ص ۲۴۶).

صدر برای بررسی علت این گسست، به زیرساخت های انواع جوامع معاصر که بر پایه آن ها

ساخته شده‌اند، ارجاع می‌دهد و چنین جوامعی را ماده‌گرا یا متأثر از آن می‌داند و در این زمینه می‌نویسد: «آن‌ها وقتی پایه‌های جامعه را بنا می‌گذاشتند، گفتند ما را به ماورای طبیعت چه کار؟ باید آن را کنار بگذاریم و جامعه را بر پایه‌هایی محسوس و ملموس بنا بگذاریم. آن‌ها این راه را ادامه دادند و بر این باور بودند که با این کار بسیاری از اختلافات جدلی بیزانسی را، به گفته خودشان، حل کرده‌اند و از سلطه کلیسا آزاد شده‌اند و این بت را در هم کوبیده‌اند. این خلأ ایدئولوژیک خدای دیگری برای آنان پدید آورد؛ آن‌ها خودشان را پرستیدند و انسان، به خیال خود، به خدا و قدس‌الاقداس اوّل و آخر تبدیل شد و زندگی نیز در حرکت در همین دنیای مادی خلاصه شد (صدر، ۲۰۰۰، ج ۵، ص ۲۱۰).

صدر معتقد است که سرمستی شیوه جدید و شیرینی پیروزی و انتقام تمدن غرب را فراگرفت. وقتی این مرحله سپری شد، انسان متوجه شد که باوجود آنکه خود را همه‌چیز می‌داند، غریب و تنهاست و منافع شخصی او با منافع دیگران برخورد پیدا می‌کند. به همین دلیل میان او و همه موجودات هستی درگیری پیش آمد. برای حل این نزاع انسان‌ها را دسته‌بندی کردند و شرکت‌هایی پدید آوردند. دنیا و جامعه به شرکت‌های گوناگونی مانند خانواده، قبیله، صنف، کشور، وطن و... تبدیل شد. ازجمله پیامدهای این نگاه این است که مادری که وظیفه مادری را به‌شکل مطلق و نامحدود انجام می‌داد و بی‌حساب می‌بخشید، شروع به کم‌رنگ کردن بُعد مادرانه خویش کرد و آن را یا بخشی از آن را با ابزار دیگری چون دایه یا خدمتکار و مؤسسه جایگزین کرد (صدر، ۲۰۰۰، ج ۵، ص ۲۱۱).

وقتی نوبت به نسل جدید که از حس مادری بهره‌ای اندک برده بود یا حس مادری برای او خریداری شده بود، رسید، برای نسل‌های بعد به همین شکل رفتار کرد و دیگر از خدمت بدون چشمداشت و از محبت بی‌انتهای خداوندی و از عاطفه‌ای عمیق و گسست‌ناپذیر خبری نبود. گرداب زندگی مادی حتی پدر و مادر نسل‌های گذشته را در میان امواج خود غرق می‌کند؛ به‌طوری که گویا نسل جدید اصلاً آن‌ها را نمی‌شناسد. این‌گونه بود که نسل‌ها از یکدیگر گسستند و پیوند عاطفی و فکری میان آن‌ها بریده شد و گذشته و حال از یکدیگر جدا گشت. وقتی گسست و پیوند عاطفی و فکری بین نسل‌ها وجود نداشته باشد، انسان در تمدن‌سازی ناکام خواهد ماند.

۳-۲-۳. نادیده انگاشتن خدا و احساس اضطراب

از دیدگاه امام موسی صدر مشکل جوامع مادی و انسان معاصر این است که به معبودی غیر از خداوند که معبود مصلحت و نفس نام دارد، ایمان آورده‌اند: «أَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهُهُ هَوَاهُ؟» (فرقان: ۴۳) و این کفر به خداوندی است که سرآمد و آفریننده همه ارزش‌ها و الگوهای برتر و آرمانی است... او به خدایی دیگر ایمان آورده و نفس خود را مقدس‌ترین موجود قرار داده و با دیگران براساس این ایمان پست خود پیوند برقرار کرده است؛ به گونه‌ای که برای او هیچ دوستی یا دشمنی و هیچ عدل و انصافی جز مصلحت وجود و معنا ندارد. از نظر او خود معبود است و طبق مصلحت خویش رفتار می‌کند (صدر، ۱۳۹۸، ص ۱۱۴).

از دیدگاه صدر انسان معاصر از زمان آغاز تحول عظیم در صنعت و تمدن و مشارکت عمومی بشر در امور جهان و فناوری و ایجاد سازمان‌های گوناگون پریشان و مضطرب به نظر می‌رسد؛ زیرا تصور کرد که معبود دیگری غیر از خداوند پیدا کرده است و به علم و صنعت و دیگر دستاوردهای تمدن صفت مطلق بودن بخشید و خدا را انکار کرد و او را در عالم طبیعت غیرمؤثر خواند (صدر، ۱۳۹۴، ص ۲۲۱).

بنابراین انکار یا نادیده گرفتن خدا و بی‌توجهی به نیازهای معنوی توسط انسان معاصر و تلقی خداوند از مصنوعات و دستاوردهایش باعث شد به سرعت احساس اضطراب کند؛ چراکه علم و صنعت و قوانین وضعی مربوط به آن‌ها همگی ناپایدار و متزلزل‌اند و در طول تاریخ تکامل متحول می‌شوند. در نتیجه انسان ثبات و آرامش خود را که جز با ایمان مطلق به دست نمی‌آمد، از دست داد. از این‌رو ایمان ضعیف شد یا به شبه‌ایمان تبدیل گردید. در نتیجه به علت فقدان ایمانی زنده احساس جدایی از هستی و غربت سراسر وجود انسان را فراگرفت و به اضطراب مبتلا شد. دستاوردهای فراوان او هم وی را سودی نبخشید (صدر، ۱۳۹۴، صص ۲۲۲ - ۲۲۳).

در همین زمینه امام موسی صدر در کلیسای کبوشیین بیروت در جمع مسیحیان لبنان می‌گوید:

ادیان یکی بودند؛ زیرا نقطه آغاز همه آن‌ها، یعنی خدا، یکی است و هدف آن‌ها، یعنی انسان، یکی است و بستر تحولات آن‌ها، یعنی جهان هستی، یکی است و چون هدف را فراموش کردیم و از خدمت انسان دور شدیم، خدا هم ما را به حال خود گذاشت و از ما دور شد و ما به راه‌های گوناگون رفتیم و به پاره‌های مختلف بدل گشتیم و جهان یکتا را

تقسیم کردیم و در پی خدمت به منافع خاص خود برآمدیم و معبودهای دیگر غیر خدا را برگزیدیم و انسان را به نابودی کشانیدیم (صدر، ۱۳۹۵/الف، ص ۱۵).

۳-۲-۴. نگاه تمدن غرب به زن

صدر با استناد به نظر کارشناسان و پژوهشگران تمدن جدید را که در اثر خطای تمدن جدید درباره زن به وجود آمده است، «تمدن سکس» می نامد. نظریات نویسندگان و دانشمندان علم روان شناسی و ماده گرایی که در همه پدیده ها و به ویژه در تعریف زن در دنیای جدید رواج یافته، زن را در تمایلات غریزی غرق کرده است و جنبه انسانی زن را زیر قدم های تجارب قدیم و جدید مثلاشی ساخته است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۲۶۸).

صدر معتقد است طبق فرهنگ و تمدن غربی آشکار کردن زیبایی های زن به طغیان و سرکشی جنبه زنانگی بر وجود زن و تحمیل اسارت به زن با تبلیغات و مهمانی ها و مدها می انجامد و باعث تضعیف و انکار هویت و شخصیت و شایستگی های زن می شود و او را فقط به تابلویی هنری بدل می سازد که کارش تحریک شهوت و دلربایی و دل فریبی است. این مسئله باعث تحقیر زن و انکار استعداد و توانمندی هایش و از بین رفتن عمر و فرصت های گران بهای او می شود (صدر، ۱۳۹۴، ص ۲۷۵)؛ برای اینکه به زن به عنوان جنس مؤنث نگاه می شود، نه به عنوان مادر، همسر، دانشمند و کاردان (صدر، ۱۳۹۹/الف، صص ۶۹ - ۷۰). صدر با بدبینی به تمدن غربی درباره آزادی ادعایی برای زن معتقد است که غرب به نام آزادی با ابزارهای گوناگون از زن سوءاستفاده کرده است. او در این باره می گوید:

اعتقاد ندارم که تمدن امروزی آزادی درستی برای زن به ارمغان آورده باشد؛ زیرا این تمدن اگرچه از آزادی زن سخن گفته، عملاً او را با ابزارهای مختلفی چون تبلیغات، تجارت و جشن ها مقید ساخته است و بیشتر تلاش خود را بر رشد بُعد زنانگی او متمرکز کرده و این خود موجب کوتاهی عمر زن و کاهش فرصت های او و افزایش قیدوبندهایش شده است. درحقیقت اگر ما قصد آزادی حقیقی زن را داشته باشیم، در تعالیم دینی نکاتی می بینیم که این خواسته را تأمین می کند (صدر، ۱۳۹۹/الف، ص ۱۰۷).

بنابراین زن در جوامع مدرن معنایی جز غریزه جنسی ندارد و ارزش، شایستگی ها، علم، قدرت

فهم و مقام مادری زن در این جوامع از یاد رفته است. به نظر می‌رسد ریشه این نوع نگاه به تعبیر شهیدمطهری و عیب اساسی فرهنگ و تمدن غربی و سقوط انسانیت در آن «خودفراموشی» است (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۰۶).

در نگاه امام موسی صدر ریشه تضييع حقوق زنان در تمدن غرب و گسترش طلاق و فروپاشی نهاد خانواده غفلت از وجه انسانی یا انکار انسانیت زنان و محدود شدن نگاه‌ها به جنسیت زن و وجه زنانگی اوست (صدر، ۱۳۹۹ الف، صص ۵۱-۱۰۷). محور قرار گرفتن وجه زنانگی زنان زمینه‌ساز بهره‌برداری از بُعد جسمانی زن و تبدیل شدن او به یک کالای سودآور تجاری در نظام سرمایه‌داری است.

۳-۳. نظام فرقه‌گرا و آپارتاید

امام موسی صدر تعدد و تنوع فرقه‌ها را عامل شکوفایی استعدادهای انسان و اجتماع انسانی و تمدنی می‌داند و وجود فرق مختلف را ثروت تمدنی و فرهنگی برای خدمت به بشریت برمی‌شمرد (صدر، ۱۳۹۹ الف، ص ۲۲۳)؛ اما آنچه تهدیدی اساسی برای تمدن بشری محسوب می‌شود، دولت و نظام فرقه‌گرا و آپارتاید است که با رسیدن به قدرت در پی حذف سایر دیدگاه‌ها و فرقه‌ها برمی‌آید و امکان بهره‌گیری از دستاوردهای بشری را از میان می‌برد، هویت انسانی سایرین را نادیده می‌گیرد و مانع شکل‌گیری پیکره واحد بشری و تمدن آرمانی می‌شود. صدر نماینده چنین اندیشه و نگرش و منشی را رژیم غاصب و نژادپرست و قوم‌گرای صهیونیستی می‌داند که مخالف زندگی مسالمت‌آمیز بشری است (صدر، ۲۰۰۰، ج ۱۱، ص ۳۳۶).

مبنای استدلال صدر در خطرناک دانستن نظام‌های فرقه‌گرا و نژادپرستی مثل اسرائیل را، موانعی می‌داند که این رژیم‌ها بر سر تعاملات صحیح بشری ایجاد می‌کنند. با توجه به اینکه انسان موجودی ذاتاً اجتماعی است (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۷۲) و بر این باور است که اساس شکل‌گیری جوامع بر تعاملات انسانی استوار است. اگر جامعه‌ای نگرش و اندیشه خود را برتر از دیگران بداند و نژادپرستانه و غاصبانه در اندیشه حذف دیگر تمدن‌ها و فرقه‌ها و ملت‌ها باشد، جریان تعامل و اندیشه و تجربیات بشری را مسدود می‌کند و مانع شکل‌گیری پیکره واحد بشری می‌شود. چنین تفکر و اندیشه‌ای علاوه بر ممانعت از جریان تبادل و تعامل دستاوردها و تجربیات بشری، مانع

رشد و شکوفایی هرچه بیشتر تمدن و پیشرفت بشری می‌شود؛ البته به‌علت خودخواهی‌ها و خودمحوری‌ها موجب نادیده گرفتن ارزش و هویت انسانی سایر انسان‌ها می‌شود و از جنبه دیگر به الگویی خطرناک برای جوامع فرقه‌گرا مبدل می‌گردد (عبدلی، ۱۳۹۹، ص ۱۹۳). بر مبنای چنین استدلالی است که صدر اسرائیل را شر مطلق و خطرناک‌تر از هر نهادی می‌داند (صدر، ۲۰۰۰، ج ۱۲، ص ۱۸۵). صدر راهکار پیشرفت تمدن بشری را محو اسرائیل از صحنه روزگار می‌داند؛ چون با ساختار کنونی‌اش عنصری متجاوز و مخالف با جریان بشری است و حرکت اصلی تمدن بشری را منحرف می‌کند (صدر، ۲۰۰۰، ج ۴، ص ۳۴۳).

۴. راهکارها و پیشنهادهای صدر برای تمدن‌سازی آرمانی

۴-۱. تکوین تمدن جدید بر پایه ایمان به خدا

صدر معتقد است که برای تکوین تمدن جدید چند چیز اساسی لازم و ضروری است که در صورت رعایت آن، انسان احساس قدرت و ثبات خواهد کرد؛ ازجمله:

یک. ایمان کامل به خداوندی که خالق اسباب و مسببات است و باور به نقش حقیقی او در جهان هستی و او را جانشین اسباب و عوامل مادی قلمداد نکردن؛

دو. شکل و قوام نگرفتن تمدن جدید صرفاً بر پایه ماده؛

سه. نیازمند به تربیت انسان از نو (صدر، ۱۳۹۴، ص ۲۲۲).

از دیدگاه صدر در فرهنگ اسلامی مخلوق به آفریدگار خویش متصل است و هستی با همه خصوصیات و پدیده‌هایش و با همه افراد و جوامعش در برابر قانون علت و معلول و مشیت پروردگار سر فرود می‌آورد (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۱۳)؛ بنابراین محور و اساس اخلاق و تربیت در اسلام توحید است و بر پایه توحید و ایمان به خداوند انسان می‌تواند به سعادت دنیوی و اخروی دست پیدا کند. اگر ایمانی که میان خدا و انسان ارتباط و حضوری مستمر پدید می‌آورد، مبنا و اساس تمدن جدید نباشد، با تمدنی شکننده روبه‌رو خواهیم شد. علت رشد یک‌جانبه و ناهماهنگ انسان در تمدن امروزی و در مسائل گوناگونی مانند سیاست، مدیریت، بازار و سازندگی این است که بر پایه ایمانی که مایه اعتدال و هم‌نوایی در راه خدمت به همه باشد، نبوده است؛ در نتیجه سیاست، مدیریت، بازار و سازندگی به استعمار و منازعات، بازاریابی‌های جدید فرصت‌طلبانه،

حاکمیت صلح مسلحانه و مقولاتی از این دست منتهی می‌شود و زندگی انسان میان جنگ‌های سرد و گرم و بین بستن زخم‌ها و صلح مسلح نوسان می‌یابد (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۰).

۴-۲. احیای نقش مادری زن

در نقش مادری زن صاحب حق حیات است؛ چراکه فرزندان خود را متولد می‌کند و با عشقی بی‌بدیل آن‌ها را پرورش می‌دهد؛ ضمن اینکه مادران بیش از همه عامل انتقال عناصر هویت ملی و افشاندن بذرهای ایمان و اخلاق در فرزندان هستند (خامنه‌ای، ۱۴۰۱). وظیفه مادری فضیلتی ملکوتی ناشی از عالم قدس است که در وجود انسان تجلی می‌کند و در آن صداقت، مهر و صفا، عشق‌ورزی، خلوص و گذشت به عالی‌ترین درجه خود می‌رسد (برجی‌نژاد، ۱۳۸۹، ص ۱۸۵). اهمیت وظیفه مادری از وظایف حیاتی دیگر کمتر نیست؛ زیرا مادر فرد را که به‌منزله قوام و استحکام جامعه است، تربیت می‌کند. اسلام نیز او را برای پرداختن به این وظیفه تشویق می‌کند (صدر، ۱۳۹۹ الف، صص ۲۱-۲۲).

بنابراین نگاه به نقش مادری زن که تاکنون نقشی خانوادگی تلقی می‌شد، به‌عنوان راهبردی اساسی برای ساختن جامعه و تمدن از نوآوری‌های امام موسی صدر است. از نظر ایشان جوامعی که به رنج گسست‌های عاطفی میان‌نسلی دچار آمده‌اند و بحران‌های اخلاقی آن‌ها را مورد هجوم قرار داده است، از حس مادری و عاطفه مادری محروم بوده‌اند. در این جوامع برخی کوشیده‌اند برای جایگزینی این محرومیت حس مادری را برای آن‌ها خریداری کنند و با استخدام خدمتکار یا مؤسسات یا دایه حس مادری تشریفاتی را جایگزین حس مادرانه نمایند. محرومیت خانواده و جامعه از مقام زن و مادر چالش بزرگ تمدن مادی بشری است (صدر، ۱۳۹۹ الف، ص ۲۴۷)؛ تا جایی که فمینیسم در محصول تفکر غربی نه‌تنها خانواده را به‌عنوان یک نهاد تحقیر کرده، بلکه ارزش مادری را حاشیه‌ای و غیرمهم تلقی نموده است (صادقی‌فسایی، ۱۳۸۴، ص ۲۲).

از نظر صدر محنت بی‌ایمانی در تمدن جدید این است که انسان معاصر به‌ویژه جوان امروزی چه در غرب و چه در شرق مراقبت خانواده را از دست داده است. رها شدن از این محنت که آینده کل تمدن را تهدید می‌کند و برخورداری از ایمان، در گرو زنده شدن نقش مادر است (صدر، ۱۳۹۹ الف، صص ۱۶۱-۲۰۸).

بنابراین نقش‌آفرینی زن در خانواده در قالب مادر و عاطفه مادری درحقیقت گام برداشتن برای رفع یکی از اصلی‌ترین آسیب‌های تمدن جدید و حرکت به‌سوی تمدنی آرمانی است. بر همین اساس است که می‌توان گفت صدر با تغییر نگاه رابطه‌ی عرضی خانواده و جامعه به رابطه‌ی طولی و تبیین مقام مادری زن در خانواده در عمل نقش مادری را به‌عنوان رکنی از ارکان تمدن بالا برده است (احمدپور، ۱۴۰۳، ص ۷۹).

۴-۳. همراهی علم و دین

از دیدگاه صدر خداوند علم و دین را هنگام آفرینش انسان باهم آفرید؛ زیرا میان علم و دین پیوندی سرنوشت‌ساز است که سرنوشت انسان و کمال او را رقم می‌زند. علم همانند پرتویی است که پرده از روی واقعیت‌ها برمی‌دارد و راهی برای رؤیت آثار خالق در جهان هستی است که با گشوده شدن آن شناخت انسان از خداوند نیز بیشتر می‌شود. همچنین علم وسیله‌ای برای کشف حقیقت هستی و انسان و پیوند انسان با هستی و ابزاری برای تبیین نقش انسان در جهان هستی است. دین از این نقش پرده برمی‌دارد و انسان را به ایفای نقش وجودی خویش فرامی‌خواند (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۶۳). این نکته نشان می‌دهد که علم و دین بدون یکدیگر نمی‌توانند انسان را به کمال برسانند و در شکل‌گیری تمدن ناب و آرمانی مدرسانی کنند. شهیدمطهری در مقایسه جهان‌بینی علمی و جهان‌بینی ایمانی به رابطه‌ای سازگاری و تکمیلی معتقد است؛ به‌طوری که دین و ایمان را منشأ عشق و گرمابخشی و امید و علم را عامل سرعت و حرکت می‌شمارد (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۲). به همین دلیل امام موسی صدر به برهه‌ای از زمان که تلاقی میان آغاز حرکت علم و انتشار دین خدا و دعوت انبیا باشد، اشاره می‌کند که اهل دین از دین برای متوقف کردن علم سوءاستفاده کردند، به گمان اینکه تمام حقایق هستی را گذشتگان کشف کرده‌اند و هرچیز جدیدی مانند اعتقاد به کروی بودن زمین یا حرکت آن و عقیده به میکروب و تأثیر آن در ایجاد بیماری انحراف و گمراهی و جسارت در برابر خداوند و به چالش کشیدن قدرت مطلق خداوند است. به دلیل همین عقیده جمعی از دانشمندان را تکفیر کردند یا در آتش سوزاندند و برخی را با محاکمه و شکنجه مجبور به توبه کردند. صدر این دوره را روزگار طغیان دین‌داران علیه علم می‌داند و چنین افرادی را ظلم‌کننده به دین معرفی می‌کند؛ چراکه آن را به جمود کشانیدند و از تولید دستاوردهای نو دینی بازداشتند (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۶۳).

صدر به دورانی اشاره می‌کند که علم هم از دین انتقام می‌گیرد و نقش آن در زندگی را انکار می‌کند یا نادیده می‌گیرد و آن را سد و مانعی برای پیشرفت می‌داند که شکستش ضروری است. در قرن بیستم بشر متوجه شد که علم به تنهایی نمی‌تواند سعادت بشر را تأمین کند. در این زمینه صدر می‌گوید:

پس از آشکار شدن بدبختی‌های بشر و پرشدن جهان از فجایع جنگ‌ها و ستم‌ها و کج‌روی‌ها علم دست خود را به سوی دین دراز کرد و به جست‌وجوی ایمان گمشده برخاست تا بتواند به کمک او به اصلاح امور بپردازد؛ بنابراین علم و دین با کمک همدیگر می‌توانند تمدن‌سازی اصولی و درست داشته باشند، بدون همدیگر باعث خودخواهی و خودرأیی و شقاوت فرد و جامعه بشری خواهند شد (صدر، ۱۳۹۴، ص ۱۷۰).

۴-۵. رجوع به تاریخ و مطالعه تمدن اصیل بشری

امام موسی صدر یکی از راهکارهای تمدن‌سازی را احساس توانمندی و اعتمادبه‌نفس و عدم خودباختگی می‌داند و در این زمینه به جوانان خطاب و توصیه می‌کند که برای آشنایی با تاریخ و مطالعه تمدن غنی خویش کتاب‌های تاریخ تمدن عرب نوشته جرجی زیدان و آثار امیر علی و لوبون و بسیاری از دانشمندان دیگر را مطالعه کنند تا بتوانند با خودباختگی و تسلیم بی‌چون‌وچرا مقابله کنند و با احساس توانمندی و عظمت در مقابل این جریان‌های مختلف که از هر طرف بر تمدن اسلامی هجوم آورده‌اند، پایداری کنند.

صدر دلیل احساس بی‌هویتی را ناآگاهی از گذشته و تاریخ تمدن می‌داند و از برخی انتقاد می‌کند که فکر می‌کنند اروپا منشأ علم و فرهنگ و دین و پیشرفت بشری بوده است. او در این زمینه می‌گوید:

امروز در عصر استعمار فکری و روحی و روانی زندگی می‌کنیم. اگر ما در برابر این استعمار سر فرود آوریم و آن را بپذیریم، طبیعتاً نمی‌توانیم خود را از انواع دیگر استعمار برهانیم؛ پس باید به اصالت و خویش‌ن خویشتن خویش بازگردیم و بهترین راه برای بازگشت و به دست آوردن اعتمادبه‌نفس این است که به تاریخ مراجعه کنیم؛ البته این مراجعه نباید برای این باشد که به گذشته پرافتخار و باشکوه خود تکیه کنیم؛ بلکه باید یأس و نومیدی را

ریشه کن کنیم و به آینده امیدوار شویم. ما در حال حاضر احساس می‌کنیم هرآنچه در این منطقه از جهان (شرق) است، ارزشی ندارد و آنچه در آن سوی جهان (غرب) قرار دارد، ارزشمند است؛ پس باید بار دیگر تمدن خویش را مطالعه و بررسی کنیم؛ تمدنی که سراپا انسانیت و علم و کمال و هنر و ادب است و همه چیزش همراه با اخلاق و تقواست (صدر، ۱۳۹۵/الف، ص ۹۵).

صدر به مقایسه مظهرها و نمودهای تمدن غرب و جامعه متمدن عربی اسلامی اشاره می‌کند و می‌گوید: زیبایی در اروپا نسبی و موردی، ولی مظاهر زیبایی در جامعه متمدن عربی اسلامی در همه جا فراگیر است و به مصداق‌هایی مانند حمام‌ها، مسجدها، خانه‌ها، قلم‌ها، پره‌های نوشتار، ورق‌ها، قهوه‌خانه‌ها، چراغ‌ها، ظرف‌ها، اتاق‌ها، راهروها، کتابخانه‌ها، قلمدان‌ها، قرآن‌ها و هرآنچه در مدرسه‌ها بود، اشاره می‌کند.

۶-۴. جهاد و مبارزه با سلطه سیاسی واحد و ظالم

امام موسی صدر وجود آزادی در زندگی همه انسان‌ها را «اصل» می‌داند و با بیان راه و روش‌هایی که موجب سلب آزادی می‌شود، مقابله بشریت در برابر عوامل سلب و نفی آزادی را مورد توجه قرار می‌دهد و تأکید می‌کند که آنچه امروزه گریبان‌گیر بشریت گردیده، سوغات اردوگاه سیاسی تمدن غرب است. او با مردود دانستن پدیده‌هایی همچون سلطه سیاسی واحد تحت عنوان «جهانی‌سازی» و اصطلاحات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی حاصل از آن، پیشنهاد می‌کند که بشریت با برپایی جهاد و مبارزه انسانی با آن به نبرد برخیزد و خود را از بند آن نجات بخشد؛ چراکه این سیاست‌ها روشی برای سلب آزادی انسان و تلاشی خبیثانه در جهت جلوگیری از تحقق اراده مقدس الهی در آفرینش انسان و هدف اوست. امام موسی صدر با توجه به بنیادهای فکری و عملی تمدن غرب معتقد است که این تمدن انسانیت را به چیزی شبیه هرج و مرج سوق می‌دهد. لجام‌گسیختگی دوران معاصر مرحله‌ای از روند تمدن مادی است که دشواری و رنج حاصل از آن روزبه‌روز فزونی می‌یابد؛ چراکه مبانی و اصول انحرافی جز نتایج منحرف به بار نمی‌آورد و پیامد نهایی آن نیز جز زوال مردانگی، ضعف اراده، ناتوانی و نابودی نیروهای وجودی انسان در دوزخ سوزان شهوات چیز دیگری نخواهد بود (فانوس، ۱۳۸۷، ص ۳۲۵).

۷-۴. نقش مثبت مطبوعات در تمدن‌سازی

امام موسی صدر یکی از راه‌ها و ابزار تمدن‌سازی آرمانی را نقش مثبت رسانه‌ها و مطبوعات در آگاه‌سازی مردم و جهت‌دهی افکار و اندیشه‌ها می‌داند و به حساسیت جایگاه مطبوعات اشاره می‌کند و مطبوعات را محرابی برای پرستش خدا، خدمت به انسان‌ها، از مهم‌ترین میدان‌های جهادی و از عوامل تکوین انسان مدنی می‌داند که در صورت انجام ندادن درست وظایف و تکلیف خود، دامگه شیطان، مایه تخریب انسانیت، گمراه‌کننده و تحریفگر حقایق و اندیشه‌ها خواهد شد. او که این عرصه را از مهم‌ترین و حساس‌ترین میدان‌های جهاد می‌داند، آثاری را برای آن برمی‌شمارد؛ از جمله شکل‌دهی افکار عمومی، فرهنگ‌آفرینی، فراهم آوردن خوراک روح، پی‌ریزی مراحل جدید تکامل معنوی و رهنمون ساختن مردم به نیکی و راستی. مطبوعات با نظارت بر جامعه و ارکان آن، جهت‌دهی به دولت و حاکمیت و نهادها، مشارکت در ساماندهی اقتصاد و سیاست و کوشش در تصحیح امور جامعه درحقیقت به جامعه بشری و محیط انسانی نظم می‌بخشد و به این ترتیب خدمتگزار جامعه و فرد و انسانیت و در نتیجه از ارکان کرامت بخشیدن به انسان و حفظ این کرامت است (صدر، ۱۳۹۵ الف، ص ۲۶)؛ بنابراین روزنامه‌نگار با تحلیل‌ها و نوشته‌های خود درحقیقت در پی جهت دادن به فرد و جامعه است و می‌تواند تمدن و جامعه‌ای صالح یا ناصالح بیافریند.

نتیجه‌گیری

از نگاه امام موسی صدر جهان هستی موضوع تحول تمدن و پیشرفت فرهنگ بشری است. حامل این تحولات و پیشرفت‌های مستمر انسان است؛ بنابراین جهان و انسان در همه مراحل تمدن تجلی و ظهور می‌یابد. کارگزار تمدن نیز خود انسان است که با اراده و اختیار خود به سمت تمدن‌سازی حرکت می‌کند. طبق نظر صدر اگر تمدن مورد نظر مبتنی بر آموزه‌های دینی و الهی باشد و خداوند انکار یا نادیده گرفته نشود، بشریت به سوی صلح، پیشرفت، همزیستی مسالمت‌آمیز و حفظ کرامت انسانی گام بر خواهد داشت؛ در غیر این صورت مانند تمدن مادی‌گرایانه غرب شاهد خودخواهی، خودپرستی، استبداد، تجاوز به حقوق دیگران، استفاده ابزاری و جنسی از زن و تلاش دائم برای بهره‌کشی و کشمکش در جوامع خواهیم بود؛ به دلیل اینکه هدف اصلی در این تمدن بهره‌مندی هرچه بیشتر از مادیات و تحمیل نقشه‌های خود برای رسیدن به منافع و مطامع

خویش است. از دیدگاه صدر برای شکل‌گیری تمدن آرمانی لازم است به توانایی‌ها و ظرفیت‌های خدادادی انسان (انسان‌شناسی) توجه شود و اینکه هدف خالق از خلقت او در جهان هستی چیست و شروط و لوازم خلیفه الهی بودن روی زمین کدام‌اند؟ همچنین برای تمدن‌سازی لازم است آدمی در تمام ابعاد وجودی خود رشد و تکامل یابد؛ چون رشد تک‌بعدی باعث خودخواهی و گمراهی انسان و ظلم او به دیگران خواهد شد. همچنین برای وصول به تمدن آرمانی لازم است به هویت انسانی توجه شود؛ یعنی در عین تفاوت و تمایز با مذهب‌ها و فرقه‌های گوناگون در جهت منافع انسانی نه شخصی و بر مبنای احترام و کرامت انسانی با آن‌ها رفتار شود. در نهایت برخی پیشنهادها صدر برای تمدن‌سازی آرمانی عبارت‌اند از: توجه توأمان بشر به علم و دین، احیای نقش مادری زن و تجاری‌نساختن آن، بنای تمدن بشری بر پایه ایمان به خدا و جهاد و مبارزه انسانی با سلطه سیاسی واحد و ظالم.

تشکر و قدردانی:

ابراز نشده است.

تضاد منافع:

نویسنده تضاد منافی اعلام نکرده است.

منابع

- 0 احمدپور، علی، و فتحی، امین (۱۴۰۳). جایگاه انسان‌شناختی واقع‌گرایانه زن در اسلام و تمدن غرب از دیدگاه امام موسی صدر، *اسلام و مطالعات اجتماعی*، شماره ۴، ۹۴-۶۵.
<https://doi.org/10.22081/JISS.2024.66800.2016>
- 0 باقری، خسرو (۱۳۸۸). *دیدگاه‌های جدید در فلسفه تعلیم و تربیت*، تهران: نشر علم.
- 0 برجی‌نژاد، زینب (۱۳۸۹). نقش مادر در تربیت فرزندان، *طهورا*، شماره ۶، ۱۸۳-۲۱۰.
<https://www.magiran.com/p836635>
- 0 خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۱). دیدار افشار مختلف بانوان با رهبر انقلاب، ۱۴/۱۰/۱۴۰۱،
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=51647>

- 0 صادقی فسایی، سهیلا (۱۳۸۴). چالش فمینیسم با مادری، *مطالعات راهبردی زنان*، شماره ۲۸، ۱۹-۴۳. <https://www.magiran.com/p290979>
- 0 صدر، موسی (۱۳۹۴). *نای و نی*، ترجمه علی حجتی کرمانی، چاپ سوم، تهران: امام موسی صدر.
- 0 صدر، موسی (۱۳۹۵ الف). *ادیان در خدمت انسان*، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- 0 صدر، موسی (۱۳۹۸ ب). *دین در جهان امروز*، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- 0 صدر، موسی (۱۳۹۸ الف). *گام به گام با امام*، مجموعه گفتارها و مصاحبه‌ها و مقالات سیدموسی صدر (مجموعه ۱۲ جلدی)، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- 0 صدر، موسی (۱۳۹۹ الف). *زن و چالش‌های جامعه*، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- 0 صدر، موسی (۱۳۹۵ ب). *انسان آسمان*، ترجمه احمد ناظم، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- 0 صدر، موسی (۱۳۹۹ ب). *عبادت یا عبودیت*، ترجمه احمد ناظم و همکاران، چاپ دوم، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- 0 صدر، موسی (۲۰۰۰ م). *مسیره الامام السید موسی الصدر. اعداد و توثیق یعقوب ضاهر*. بیروت: دار بلال.
- 0 عبدلی، معصومه (۱۳۹۹). *فلسفه تربیتی امام موسی صدر*. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- 0 فانوس، وجیه (۱۳۸۵). *اندیشه ربوده شده: آزادی از دیدگاه امام موسی صدر*. به کوشش مهدی فرخیان. تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر.
- 0 فتحی، امین، و احمدپور، علی (۱۴۰۳). *انسان گرایی نوین مانع نقش آفرینی دین در اندیشه امام موسی صدر*. *فلسفه دین*، شماره ۱، ۲۹-۴۱.

<https://doi.org/10.22059/JPHT.2023.354654.1005949>

- 0 لک زایی، شریف (۱۳۹۸). علل ضعف تمدنی و عقب ماندگی جوامع اسلامی در اندیشه امام موسی صدر. دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۱، ۳۱۱-۳۲۸.
<https://doi.org/10.22070/nic.2024.18525.1274>
- 0 لک زایی، شریف (۱۴۰۲). چیستی تمدن غرب در آرای امام موسی صدر. دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی، شماره ۲، ۱-۲۴.
<https://doi.org/10.22070/nic.2024.18525.1274>
- 0 مطهری، مرتضی (۱۳۷۶). مجموعه آثار استاد شهید مطهری. تهران: صدرا.
- 0 نصری، عبدالله (۱۳۹۵). نشست «فقیه صلح، بررسی آثار، آراء و اندیشه های امام موسی صدر»، ۲۸ دی ماه. <https://B2n.ir/et2499>

References

- 0 Abdoli, M. (2019). *Imam Musa Sadr's Educational Philosophy*, Tehran: Scientific and Cultural Publications. [In Persian].
- 0 Ahmadpour, A., & Fathi, A. (2024). The Realistic Anthropological Position of Women in Islam and Western Civilization from The Perspective of Imam Musa Sadr, *Islam and social studies*, number 4, pp. 65-94.
<https://doi.org/10.22081/JISS.2024.66800.2016> [In Persian].
- 0 Bagheri, Kh. (2009). *New Perspectives on the Philosophy of Education*, Tehran, Nash-e-Alam, 2nd edition. [In Persian].
- 0 Borjinejad, Z. (2009). *The Role of Mother in Raising a Child*, Tahura, No. 6, pp. 183-210. <https://www.magiran.com/p836635> [In Persian].
- 0 Fanous, W. (2006). *Freedom from the Perspective of Imam Musa Sadr: The Kidnapped Thought*, by Mehdi Farrokhian. Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian].
- 0 Fathi, A., & Ahmadpour, A. (2014). Modern Humanism Prevents the Role of Religion in the Thought of Imam Musa Sadr, *Philosophy of Religion*, No. 1, 29-41. <https://doi.org/10.22059/JPHT.2023.354654.1005949> [In Persian].
- 0 Khamenei, S.A. (2022). The Meeting of Different Classes of Women with the Leader of the Revolution, 4/1/2023,
<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=51647> [In Persian].

- 0 Lakzai, Sh. (2019). Causes of Civilizational Weakness and Backwardness of Islamic Societies in the Thought of Imam Musa Sadr, *Bi-Quarterly Scientific Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, No. 1, 328-311. <https://doi.org/10.22070/nic.2024.18525.1274> [In Persian].
- 0 Lakzai, Sh. (2023). What is Western Civilization in the Thoughts of Imam Musa al-Sadr, *Bi-Quarterly Scientific Journal of Fundamental Studies of Modern Islamic Civilization*, No. 2, 1- 24. <https://doi.org/10.22070/nic.2024.18525.1274> [In Persian].
- 0 Motahari, M. (1997). *The Collection of Works of Master Shahid Motahari*, Tehran, Sadra. [In Persian].
- 0 Nasri, A. (2016). Meeting on "The Peace Jurist, Review of the Works, Opinions and Thoughts of Imam Musa Sadr", 18 January, <https://B2n.ir/et2499> [In Persian].
- 0 Sadeghi-Fasaei, S. (2004). The Challenge of Feminism with Motherhood, *Journal of Strategic Studies of Women*, No. 28, pp. 19-43. <https://www.magiran.com/p290979> [In Persian].
- 0 Sadr, M (2015a). *Religions in Human Service*, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 4th edition. [In Persian].
- 0 Sadr, M. (2000). *Masirah al-Imam al-Sayed Moussa al-Sadr*, numbers and authentication: Yacoub Zaher, Beirut, Dar Bilal. [In Persian].
- 0 Sadr, M. (2014). *Nye and Ney*, translated by Ali Hojjati Kermani, third edition, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian].
- 0 Sadr, M. (2015b). *The Man of the Sky*, translated by Ahmad Nazim, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 4th edition. [In Persian].
- 0 Sadr, M. (2018a). *Women and society's challenges*, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian].
- 0 Sadr, M. (2018b). *Worship or Slavery*, translated by Ahmad Nazem and colleagues, Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, 2nd edition. [In Persian].
- 0 Sadr, M. (2019a). *Step by step with Imam: A Collection of Speeches, Interviews, and Articles by Seyyed Musa Sadr* (12-volume collection), Tehran: Imam Musa Sadr Cultural Research Institute. [In Persian].
- 0 Sadr, M. (2019b). *Religion in Today's World*, Tehran, Imam Musa Sadr Cultural Research Institute, second edition. [In Persian].